

گزارش سیاستی: تحلیل سندی سیاستی تجاری با افغانستان



مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری

دفتر خدمات پژوهشی

مجموعه گزارش شماره ۳۰۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسه گزارش

عنوان	گزارش سیاستی: تحلیل سند دیپلماسی تجاری با افغانستان
کد شناسه	۱۴۰۰-۵-۱۰۳۵۶
واحد ستادی	دفتر خدمات پژوهشی
پدیدآورندگان	رضوان استادعلی
مشورت دهندگان	قادری
ناظر علمی	سعید غلامی نتاج امیری
سفارش دهنده	مرکز اطلاع‌رسانی، روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان برنامه و بودجه کشور
طراح جلد	پدرام حاجی اسماعیلی
ناشر	مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
تاریخ انتشار	زمستان ۱۴۰۰
مطالب این گزارش لزوماً بیانگر نظر رسمی سازمان برنامه و بودجه کشور و مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری نیست.	
حقوق معنوی اثر به پدیدآورندگان و حقوق مادی آن، به مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری سازمان برنامه و بودجه کشور تعلق دارد و استفاده از آن با ذکر مأخذ بلامانع است.	
آدرس: تهران - خیابان استاد نجات‌اللهی - خیابان استاد جعفرشهری (سپند) - پلاک ۱۶	
شماره تماس: ۰۲۱-۴۳۳۰۶۰۰۰	شماره پیام‌رسان: ۰۹۹۲۱۵۷۵۸۴۳
آدرس سایت: https://www.dfrc.ir/	

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
أ.....	خلاصه مدیریتی.....
۱.....	مقدمه.....
۲.....	۱- زمینه.....
۳.....	۲- توصیه‌های سیاستی.....
۷.....	۳- نتیجه‌گیری.....
۸.....	منابع.....
۹.....	پیوست.....

خلاصه مدیریتی

مبادلات تجاری بین ایران و افغانستان علی‌رغم تلاش‌های متعدد برای ارتقاء آن کاهش یافته است و پس از خروج آمریکا از افغانستان، صادرات ایران به این کشور به سیر نزولی خود ادامه داده است. برای پاسخ به این چالش، اتاق بازرگانی تهران سند دیپلماسی تجاری با افغانستان را تدوین نموده است. گزارش پیش رو، به تحلیل حلقه‌های مفقوده این سند و ارائه گزینه‌های سیاستی مرتبط با آنها می‌پردازد. از مهم‌ترین گزینه‌های سیاستی گزارش پیش رو ایجاد مناطق آزاد تجاری متعدد با افغانستان، نفوذ به ساختار اقتصادی این کشور در بخش کشاورزی و گره زدن معیشت اکثریت مردم آن به اقتصاد ایران، توجه به ساختار قومیتی پشتونی غالب در این کشور و وزن سیاسی و تجاری آن، همکاری تجاری با شهروندان مهاجر افغانی، توجه به بحران مالی افغانستان و تمرکز بر معادن این کشور است.

مقدمه

ایران بزرگ‌ترین صادرکننده به کشور افغانستان و سومین مقصد صادرات ایران است. شرکای اصلی تجاری افغانستان، همسایگان آن به همراه هند هستند. زمانی که نیروهای بین‌المللی مستقر شدند، ایالات متحده، امارات متحده عربی و ترکیه از جمله شرکای تجاری اصلی افغانستان بودند. با وجود این، بازار افغانستان به دلیل بحران‌های طولانی و درگیری‌های عمیق داخلی برای اکثر کشورهای جهان جذابیتی ندارد. چین و پاکستان (و تا حدی امارات) رقبای تجاری اصلی ایران در افغانستان هستند (مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، ۱۴۰۰؛ World Integrated Trade Solution, 2019).

کنترل طالبان بر افغانستان پیامدهای استراتژیک متعددی در رابطه با مبادلات تجاری خواهد داشت که مهم‌ترین آنها پایان کمک‌های مالی و اقتصادی ایالات متحده و شرکای غربی آن و همچنین قطع رابطه هند با دولت افغانستان می‌باشد. قطع روابط اقتصادی افغانستان با ایالات متحده آمریکا، متحدانش و هند در خدمت منافع دیگر بازیگران خارجی و منطقه‌ای نظیر ایران خواهد بود.

۱- زمینه

تجارت بین ایران و افغانستان پس از رشد تولید ناخالص داخلی ایران در دوره ۲۰۱۷-۲۰۱۵ گسترش یافت؛ اما تجارت دوجانبه از سال ۲۰۱۸ به چند دلیل کاهش یافته است، از جمله خروج ایالات متحده از توافق هسته‌ای، تحریم‌های بعدی علیه ایران و کاهش تولید ناخالص داخلی ایران در نتیجه، صادرات ایران به افغانستان به میزان قابل توجهی (حدود یک سوم) کاهش یافت.

قابل ذکر است که مبادلات تجاری بین ایران و افغانستان با وجود تلاش‌های متعدد برای ارتقاء آن کاهش یافته است. ایران تلاش کرده است کالاهای صادراتی را متنوع کند، بازارهای مرزی را تقویت نماید و سرمایه‌گذاری‌های ایرانیان را در صنایع کوچک و متوسط در افغانستان افزایش دهد. همچنین تلاش کرده تا توافق ایران، هند و افغانستان را برای بهره‌برداری از بندر چابهار برای صادرات کالا به افغانستان تسریع بخشد. با این حال، پس از خروج آمریکا از افغانستان، صادرات ایران به این کشور به سیر نزولی خود ادامه داد و در سال ۲۰۲۰ تنها به ۱,۷ میلیارد دلار رسید (مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، ۱۴۰۰). برای پاسخ به این شرایط و چالش‌ها، اتاق بازرگانی تهران سند دیپلماسی تجاری با افغانستان را تدوین کرده است. گزارش پیش رو، به تحلیل حلقه‌های مفقوده سند و ارائه گزینه‌های سیاستی مرتبط با آنها می‌پردازد.

۲- توصیه‌های‌سیاستی

- ۱- اصالت پشتونی اکثریت طالبان: بررسی‌های‌کارشناسان‌نشان‌می‌دهد‌اصلی‌ترین‌مناقشه‌کنونی‌در‌افغانستان،‌مناقشه‌پشتونی‌است.‌برخلاف‌باور‌رایج‌در‌رسانه‌ها،‌کارشناسان‌فعال‌در‌زمینه‌افغانستان‌معتقدند‌که‌در‌این‌کشور،‌مذهب‌و‌ایدئولوژی‌نقش‌مهمی‌ایفاء‌نمی‌کنند.‌غالب‌کشمکش‌های‌۳۰۰‌سال‌گذشته‌در‌این‌کشور‌بر‌سر‌به‌حکومت‌رسیدن‌پشتون‌ها‌صرف‌نظر‌از‌نوع‌حکومت‌و‌ایدئولوژی‌آنها‌بوده‌است.‌حکومت‌پشتون‌ها‌در‌افغانستان‌همزمان‌فرصت‌ها‌و‌تهدیدهایی‌را‌برای‌ایران‌ایجاد‌می‌کند.‌منطقه‌پشتونستان‌به‌دو‌قسمت‌در‌کشورهای‌افغانستان‌و‌پاکستان‌تقسیم‌می‌شود.‌از‌زمان‌جدایی‌از‌هند،‌پشتون‌های‌پاکستان‌همواره‌خواهان‌آن‌بودند‌که‌به‌افغانستان‌برگردند‌و‌با‌پشتون‌های‌دیگر،‌تشکیل‌یک‌کشور‌واحد‌دهند.‌پشتون‌ها‌به‌دو‌طایفه‌غلجائی‌و‌درانی‌تقسیم‌می‌شوند.‌درانی‌ها‌در‌قندهار‌و‌حاشیه‌ایران‌زندگی‌می‌کردند‌و‌به‌صورت‌تاریخی‌با‌ایران‌مراودات‌دوستانه‌ای‌داشته‌اند.‌با‌توجه‌به‌این‌بستر‌تاریخی،‌جمهوری‌اسلامی‌ایران‌باید‌تلاش‌کند‌تا‌علاوه‌بر‌تعامل‌با‌همه‌پشتون‌ها،‌زمینه‌های‌تقویت‌درانی‌ها‌و‌وزنه‌تجاری‌و‌سیاسی‌آنان‌را‌در‌ساختار‌حکومتی‌افغانستان‌فراهم‌نماید.
- ۲- معادن افغانستان: گزارش پیوست شده بر لیتیوم تأکید کرده است در صورتی که امکان استخراج لیتیوم در افغانستان در کوتاه‌مدت ممکن نیست. در حال حاضر بررسی‌های میدانی کارشناسان نشان می‌دهد که استخراج سنگ آهن، زغال سنگ و مس صرفه اقتصادی داشته و پروژه‌ها در این سه زمینه در کوتاه‌مدت به نتیجه خواهند رسید.
- ۳- شناسایی وزن سیاسی اجتماعی اقوام و مذاهب در افغانستان: باید توجه داشت که هزاره‌ها و شیعه‌ها، علیرغم اقبال عمومی در ایران، وزن سیاسی و اقتصادی کمی در افغانستان دارند. پشتون‌ها از لحاظ جمعیت و توان سیاسی- اقتصادی در رتبه اول، تاجیک‌ها در رتبه دوم و هزاره‌ها در جایگاه سوم اثرگذاری بر معادلات قدرت افغانستان قرار می‌گیرند. به صورت تاریخی در دوران معاصر، تأکید بیش از حد سند پیوست شده بر هزاره‌ها موجب افزایش نقطه ضعف سیاست ایران در قبال این کشور شده و به جای ایجاد اشتراک با دولت پشتون افغانستان، تفاوت‌های مذهبی را برجسته‌تر می‌کند.
- ۴- بندر چابهار: اگرچه بندر گوادر پاکستان رقیب بندر چابهار به شمار می‌رود، اما روی کار آمدن طالبان صرفاً برنامه ترانزیت کلان آن را تغییر می‌دهد و موجودیت آن را تهدید نمی‌کند. طالبان تعاملات اقتصادی خود را با پاکستان پیش خواهد برد و ممکن است از ظرفیت بندر گوادر پاکستان نیز استفاده کند، اما

بندر چابهار اکنون می‌تواند به جای ارسال کالاهای هندی به افغانستان، آنها را مستقلاً به آسیای میانه ارسال نماید.

۵- **خروج هند از افغانستان:** اصلی‌ترین بازنده خروج آمریکا از افغانستان و روی کار آمدن طالبان، هند است. بخش بزرگ تجارت افغانستان در دوران حکومت پیشین، در اختیار هند بود. به طور طبیعی خلأ حضور هند توسط ایران و پاکستان پر خواهد شد. باید بررسی شود که هند در چه زمینه‌هایی مانند پزشکی در افغانستان حضور داشته و ایران چگونه می‌تواند از این فضا استفاده کند. در صورت عدم توجه ایران به این موضوع، پاکستان از این خلأ و امتیازات مربوط به آن بیشتر استفاده خواهد کرد.

۶- **مناطق آزاد مرزی و ویژه اقتصادی:** در سند پیوست شده به نقش مناطق آزاد مرزی اشاره نشده است. در زمینه تجارت با افغانستان باید در نظر گرفت که تجار ایرانی از رفتن به افغانستان به دلیل مسائل امنیتی امتناع می‌کنند. در حالی که افغان‌ها و پاکستانی‌ها تعامل آسان‌تری با یکدیگر دارند. بنابراین در نقطه صفر مرزی باید مناطق آزاد تجاری متعدد ایجاد تا تجار و شهروندان ایرانی و افغان بتوانند بدون نیاز به ویزا، پاسپورت و سایر بوروکراسی‌های اداری در آن مناطق تردد کرده و معاملات خود را انجام دهند.

۷- **همکاری با شهروندان مهاجر افغانستانی:** حلقه مفقوده دیگر سند پیوست شده توجه به شهروندان افغانستانی است. در این سند اساساً برای شهروندان مهاجر افغانستانی نقشی تعیین نشده است. پتانسیل بسیار بالای مهاجران افغانی برای تجارت و فروش کالاهای ایرانی در افغانستان می‌تواند مورد اشاره قرار گیرد. پیگیری دیپلماسی اقتصادی و فرهنگی با یاری شهروندان افغانی ساکن ایران می‌تواند عرصه‌های متنوعی برای فعالیت تجار ایرانی در افغانستان فراهم کند.

۸- **بحران اقتصادی افغانستان:** مسئله دیگر فروپاشی نظام عرضه و تقاضا در اقتصاد افغانستان است. ورشکستگی بانک‌های این کشور در کنار بلوکه شدن دارایی‌های آن از سوی آمریکا باعث شده تا میزان نقدینگی در دست مردم به حداقل رسیده و معاملات اقتصادی با این کشور چارچوب متفاوتی پیدا کند. در این راستا ضروری است تا استراتژی‌های اقتصادی ذیل در دستور کار قرار گیرند:

- **تهاتر کالاهای ایرانی با مواد معدنی افغانستان:** با وارد کردن مواد معدنی افغانستان به ایران در ازای سوخت یا دیگر کالاهای ایرانی، هم می‌توان آهن مورد نیاز صنایع و کارخانه‌ها در ایران را تأمین کرد و هم با توجه به اینکه کشورهای ترکیه، هند و بنگلادش، از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان مواد معدنی هستند، سازوکاری تنظیم کرد که ایران تبدیل به نقطه وصل افغانستان و این کشورها شود؛

- استفاده از خطوط اعتباری و ارائه وام به دولت طالبان: پس از احیای برجام، این دو روش می‌توانند از مبانی گسترش تعامل اقتصادی با طالبان قرار گیرند. استفاده از خطوط اعتباری می‌تواند به توسعه تجارت بین دو کشور منتهی شود. ارائه وام و استفاده از ظرفیت منابع معدنی و محصولات کشاورزی افغانستان برای بازپس‌گیری آن نیز می‌تواند نفوذ ایران در این کشور را افزایش دهد؛

- ایجاد زیرساخت‌های حمل و نقل: ایران می‌تواند همراه چین پیشنهاد مشترکی به افغانستان ارائه دهد و از مرز چین تا مرز ایران مسیر ترانزیت ایجاد شود. این طرح به دلیل استفاده بالقوه طالبان از عوارض و گمرکات، می‌تواند با موافقت و استقبال طالبان مواجه شود. همراهی چین در این میان ضروری است، زیرا می‌تواند به عنوان یک شریک برتر در تعامل با پاکستان، از نگرانی اسلام‌آباد در رقابت با تهران بکاهد.

۹- لزوم توجه به تغییر بازی قدرت در افغانستان: در حال حاضر، بازی قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای در افغانستان تفاوت‌های اساسی با دوران اول حکومت طالبان دارد که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

- رقابت‌های منطقه‌ای محور عربستان- امارات و محور پاکستان- قطر- ترکیه: استفاده از ظرفیت‌های ژئوپلیتیک عربستان از دیگر مسائل شایان توجه است. در دوران حکومت اول طالبان، این گروه تحت حمایت پاکستان و نیز کشورهای عربستان سعودی و امارات متحده بودند. در حکومت فعلی طالبان، این مثلث قطر- ترکیه- پاکستان است که بازی قدرت در افغانستان را پیش می‌برند. با توجه به افزایش شدید رقابت‌های سیاسی محور امارات- عربستان با محور ترکیه- قطر، می‌توان برای ایجاد موازنه در برابر مثلث ترکیه- پاکستان- قطر، فضایی را ایجاد کرد که عربستان از طریق تهران بخواهد منافع خود در افغانستان را پیش برد. باید توجه داشت که امارات به دلیل توسعه روابط با رژیم اشغالگر قدس نمی‌تواند اهرم درستی برای مقابله با محور ترکیه- قطر در افغانستان باشد.

- رقابت‌های بین‌المللی در افغانستان: این موضوع مهم به نظر می‌رسد که با توجه به حمایت ترکیه از ترک‌های اویغور غرب چین، پکن از حضور ترکیه در افغانستان نگران باشد و برای مهار آن با ایران همکاری کند. همچنین برای کاستن از نفوذ ترکیه در افغانستان و آسیای مرکزی، می‌توان از حمایت مسکو بهره برد.

۱۰- کلی بودن سند: بزرگ‌ترین مشکل سند پیوست شده این بود که سند به اندازه‌ای کلی است که با استفاده از طرح‌واره آن می‌توان هر کشوری را مورد بررسی قرار داد. اشاره به ظرفیت‌ها،

چالش‌ها و فرصت‌های ویژه حضور جمهوری اسلامی در افغانستان می‌توانست بر خاص‌بودگی آن بیفزاید.

- در زمینه چالش‌ها مناسب بود به این موضوع اشاره شود که ایده‌ای بین افغان‌های نزدیک به ایران در افغانستان شکل گرفته که ایران در مبارزه با آمریکا، افغانستان را به طالبان فروخته است. برای مقابله با این فضا می‌توان قدرت نرم ایران در افغانستان را توسعه داد. به طور مثال ساخت بیمارستان‌های خیریه، تربیت پزشک و آموزش نیروهای خدماتی و فنی و خدمات عام‌المنفعه مخصوصاً در زمان‌های بحرانی (سیل، زلزله و آفات محصولات کشاورزی) می‌تواند قدرت نرم ایران در این کشور را افزایش داده و درک مردم این کشور از نقش ایران در شکل‌گیری وضعیت کنونی را دگرگون کند.
- مثال دیگر درباره مناطقی است که در آن، مردم منطقه اقبال بیشتری به ایران و کالاهای ایرانی نشان می‌دهند. شمال (مخصوصاً هرات) و مرکز افغانستان برخلاف مناطق پشتون جنوب، ظرفیت فرهنگی بیشتری برای تعاملات اقتصادی با ایران دارند. این عرصه می‌تواند با جلب نظر مثبت طالبان به کانون مبادلات اقتصادی ایران تبدیل شوند.

۱۱- تمرکز استراتژیک بر کشاورزی افغانستان: اساسی‌ترین فرصت ایران در اقتصاد افغانستان، عرصه کشاورزی این کشور است. ۷۰ درصد اقتصاد این کشور مبتنی بر کشاورزی است. تقویت ارتباطات در این زمینه می‌تواند باعث افزایش نفوذ ایران در افغانستان شده و زمینه وابستگی شهروندان این کشور به ایران را بیش از پیش فراهم کند. از آنجاکه در افغانستان زیرساخت‌های لازم برای کشاورزی شکل نگرفته است، لذا می‌توان در مناطق آزاد تجاری بین دو کشور، سردخانه‌هایی احداث کرد که بتوانند محصولات کشاورزی افغانستان را در آنها جمع‌آوری و در زمان مناسب آن‌ها را در داخل ایران مصرف یا به بازارهای کشورهای همسایه صادر کرد. علاوه بر این، برای گسترش ارتباطات دو کشور در زمینه کشاورزی می‌توان تهاتر مواد معدنی افغانستان با ماشین‌آلات کشاورزی کشورمان را نیز در دستور کار قرار داد.

۳- نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد که با تمرکز بر کشاورزی و معادن افغانستان و گره زدن اقتصاد این کشور به اقتصاد ایران، می‌توان آن را به شریک اقتصادی ایران تبدیل کرد. در این زمینه همچنین مهم است به ایجاد مناطق آزاد تجاری متعدد با این کشور، همکاری تجاری با شهروندان مهاجر افغانی و لزوم استفاده از بازی قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی توجه کرد. در نهایت باید به ساختار قومیتی غالب در افغانستان برای تقویت همکاری تمرکز نموده و از بحران مالی موجود در این کشور با گسترش زیرساخت‌های حمل و نقل و تهاتر کالا با کالا برای ایران فرصت‌سازی کرد.

منابع

- اسلامی، روح‌اله و ناصر یوسف زهی (۱۳۹۷). استراتژی‌های کارآمدسازی اقتصاد سیاسی منطقه‌ای افغانستان و ایران بر مبنای تحلیل سیستمی نقش بندر چابهار. *مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی*، سال هشتم، شماره ۲۸، ۹۵-۱۲۴.
- سینایی، وحید و جمال جمالی (۱۳۹۷). دیپلماسی اقتصادی ج. ا. ایران در افغانستان و مدیریت اختلافات آبی دو کشور (با کاربست رویکرد اقتصاد نهادگرا). *مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی*، سال هشتم، شماره ۲۸، ۶۹-۹۳.
- مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران (۱۴۰۰). پیامدهای ظهور طالبان بر موقعیت ایران در حوزه ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک افغانستان. وبسایت مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران.
- World Bank, World Integrated Trade Solution (2019). Afghanistan Trade. Accessed at:
<https://wits.worldbank.org/CountrySnapshot/en/AFG/textview>

پیوست

سند دیپلماسی تجاری با افغانستان

بسمه تعالی

مقدمه

افغانستان در چند سده اخیر همواره تأثیر بسیار زیادی بر امنیت، ثبات، اقتصاد و اجتماع ایران داشته است و تحولات آن توأم با نگرانی و تهدیدهای ژئوپلیتیک برای ایران بوده است. خروج آمریکا و بازگشت پرستاب طالبان و تحولات پیدا و پنهان آن بر مناسبات ایران و رقبای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای آن؛ گستره وسیعی از دولت‌مردان، صاحب‌نظران، تجار و بازرگانان و حتی افکار عمومی را تحت تأثیر و حتی دچار نگرانی کرده است. اتاق بازرگانی تهران بنا به مأموریت ذاتی و مسئولیت ملی خود با تشکیل کمیته‌ای ویژه اقدام به تحلیل تحولات افغانستان و با توجه به بیانات مقام معظم رهبری در حوزه دیپلماسی تجاری با همسایگان، سند پیشنهادی زیر را برای مقامات مسئول سیاسی، امنیتی و اقتصادی آماده کرده است تا مبنایی برای همکاری مشترک دستگاه‌های مسئول جهت مدیریت راهبردی تحولات افغانستان فراهم شود.

تحلیل وضع موجود

مناقشات تاریخی ایران و افغانستان

- ۱- حضور نیروهای فرمانطقه‌ای به‌ویژه آمریکایی در مرزهای شرقی
- ۲- مهاجرت غیرقانونی
- ۳- قاچاق مواد مخدر
- ۴- حق آبه هیرمند
- ۵- خط صلح و تاپینگ
- ۶- رقابت پاکستان با ایران در افغانستان

فرصت‌ها

با فروپاشی نظام سابق افغانستان بازار افغانستان:

- دارای خلأ عرضه و آماده و تشنه کالا و محصولات به‌ویژه مصرفی است
- اجناس فاقد کیفیت هم دارای ظرفیت صادراتی است

-
- افغانستان ذخایر بالای معدنی نظیر سنگ آهن، مس، لیتیوم و لاجورد را دارد
 - فرصت‌های زیادی در ایجاد و بازسازی زیرساخت‌های افغانستان وجود دارد از جمله:
 - زیرساخت اعم از راه‌آهن، جاده، برق، آب و تلفن
 - راه‌اندازی صنایع کوچک و مشاغل
 - بهداشت و سلامت
 - مهارت‌آموزی و پرورش نیرو
 - همکاری‌های مرزی و امنیتی
 - فرصت‌های ویژه در طبقه تجار افغانستان:
 - تجار پرتلاش و عاقل، دقیق و کارآمد دارد.
 - تجار نزدیک به ایران به اتاق تهران اعلام همکاری کرده‌اند.
 - فرار سرمایه از افغانستان جدی است و احتمالاً تمایل به انتقال به ایران دارند.
 - طلا، مواد غذایی، قاچاق در امارات دست افغان‌هاست. شورای بازرگانان افغانستان در امارات خیلی فعال است و در آلمان هم همگی پایگاه دارند.
 - تجار افغانی مناسباتی با تجار پاکستانی دارند و همکاری‌های سه‌جانبه ممکن خواهد بود.
 - با پذیرش عضویت ایران در اجلاس شانگهای فرصت‌های جدیدی خلق می‌شود.
 - مناطق و مرزهای شرقی ایران دارای ظرفیت همکاری اقتصادی با افغانستان است:
 - سران قبایل سیستان
 - اتاق سیستان و خراسان جنوبی ظرفیت زیادی برای همکاری با افغانستان دارد.
 - در صورت تحریم طالبان:
 - ظرفیت‌های روسیه و چین در تحریم کم می‌شود.
 - ظرفیت‌های ایران و پاکستان افزایش می‌یابد.
 - آمریکا برای ارتباط تجاری با کابل نیاز مهمی به حضور در چابهار دارد.
 - ژاپن موضوع چابهار برایش اهمیت بیشتری می‌یابد.
 - غرب به ذخایر معدنی افغانستان به‌ویژه لیتیوم نیازمند است.
 - نزدیک بودن فصل سرما

تهدیدها احتمالی

- ۱- طالبان اگرچه در کوتاه‌مدت فرصت هستند، اما در بلندمدت تهدید امنیتی فزاینده دارد.
- ۲- طالبان با توجه به نزدیکی بیشتر با پاکستان تبدیل به فشار و تهدید امنیتی گسترده شود.
- ۳- تحریم طالبان، دور زدن تحریم توسط ایران را منتفی می‌کند.
- ۴- در صورت موفقیت چین در تکمیل مسیر گوادر، جاده سنتو و آسیای مرکزی، ارزش خاک ایران بسیار کاهش می‌یابد.
- ۵- طالبان ممکن است مستقیم یا غیرمستقیم توسط اعراب حوزه خلیج فارس علیه ایران تحریک شوند.
- ۶- پیوند احتمالی طالبان و داعش خطر عمده‌ای علیه ایران خواهد بود.

نقاط ضعف

- ناآشنایی با طرف اقتصادی ایران از سوی دولت طالبان افغانستان؛
- تجارت غیررسمی ما مطلوب است ولی تجارت رسمی دچار رکود است؛
- عوارض بستن به کامیون‌ها که تا ۱۰ برابر افزایش یافته و حمل و نقل را غیراقتصادی می‌کند؛
- محدودیت‌های انتقال ارز تجاری افغانی از ایران به افغانستان؛
- ایجاد محدودیت انتقال پول نقد و ارزهای مورد نیاز افغانی‌ها؛
- ناهماهنگی سیاستی و اجرائی میان دستگاه‌های گوناگون درگیر در کار افغانستان؛
- ترس تجاری ایرانی از تجارت با افغانستان به دلیل فقدان امنیت؛
- عدم هماهنگی کامل میان بخش خصوصی و دستگاه‌های مسئول دولتی.

نقاط قوت

- نیروهای همکار و طرفدار ایران در افغانستان ظرفیت‌های بالایی دارند.
- اقوام هزاره و شیعه نزدیک به ایران دارای ظرفیت ارتباطی و تجاری هستند.
- بهبود رابطه دولت فعلی با رهبران اهل سنت.
- توان اقتصادی بالا و متناسب ایران برای صادرات به افغانستان.

تحلیل خروج آمریکا از افغانستان

آمریکا احساس کرده است که:

- توانسته تهدید تروریستی طالبان را کنترل کند.
- نیروهایش را از معرض تهدید نیروهای درگیر خارج کرده است.
- امکان تهدید توسط ایران منتفی شده،

اشتباهات آمریکا

- آمریکا خروج می‌خواست و نه اخراج و در اصل اخراج شد.
- تأثیرات منفی زیادی بر افکار عمومی گذاشت.
- هزینه بالایی به واشنگتن تحمیل شد.

تحلیل آینده وضعیت آمریکا

- از این به بعد مسئولیتی در قبال تحولات افغانستان ندارد.
- با ابزارهای تحریم و پول و حقوق بشر افغانستان و طالبان را کنترل می‌کند.
- آمریکا همچنان بازیگر بزرگی می‌ماند، اما نگران حضور چین و روسیه است.

تحلیل وضعیت طالبان

- عمدتاً پشتون و وهابی هستند و از سایر قوم‌ها کمتر عضو دارند (بالقوه برای ما تهدید هستند)
- کشورهای غربی به این زودی طالبان را به رسمیت نمی‌شناسند (فرانسه موتور سیاسی اروپاست و فعلاً طالبان را به رسمت نمی‌شناسد).
- اگر رفتار تهدیدآمیز از طالبان شروع و ادامه پیدا کند مرحله بعدی تحریم طالبان توسط غرب است.
- در کوتاه‌مدت احتمال چرخش‌های طالبان و گروه‌های انشعابی داخل آنها وجود دارد.
- کسب مشروعیت، نیاز دارای اولویت طالبان است.
- به دلیل نزدیکی چین و پاکستان؛ طالبان نمی‌گذارد گروه‌های تروریستی در آن کشورها شکل بگیرد.
- اجبار طالبان به خام‌فروشی منابع و فرصت‌های احتمالی برای ایران.

تحلیل رقبای ایران در افغانستان

۱- پاکستان

- همواره یکی از مهم‌ترین کشورهای دنیا برای ما پاکستان بوده و خواهد بود.
- ایران با پاکستان بیش از ۴۰ سال است که در افغانستان رقابت پنهان و آشکار داشته است.
- با حضور طالبان، امکانات پاکستان در افغانستان خیلی بزرگ‌تر می‌شود.
- پاکستان اهمیت بالاتری نسبت به ما در افغانستان دارد.
- در بلندمدت پاکستان برنده افغانستان نخواهد ماند.
- همه گروه‌ها و اقوام افغانستان از پاکستان نفرت تاریخی دارند.
- معامله روسیه-افغان بین پاکستان و طالبان شروع شده است.
- پاکستان و چین قصد دارند از افغانستان به عنوان کریدور حمل و نقل آسیای مرکزی استفاده نمایند.

بندر گوادر رقیب اصلی چابهار است و حجم سرمایه‌گذاری بسیار بالایی توسط چین انجام شده و ممکن است افغانستان به این کریدور بپیوندد.

۲- چین

- از طریق پاکستان وارد شده و با ایران در همه زمینه‌ها رقابت دارد.
- طالبان به‌صورت بالقوه تهدید برای امنیت سین یانگ است، لذا تعامل با طالبان برای چین پراهمیت است.
- چین ۵۶ میلیارد دلار در گوادر سرمایه‌گذاری کرده است و در کل ۳۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در جاده ابریشم نوین می‌نماید.
- تکمیل کمربند حمل و نقل دریایی و زمینی جاده ابریشم و تسهیل دسترسی به آسیای مرکزی از طریق گوادر، جاده سنتو و افغانستان از اهداف چین است.
- سرمایه‌های مالی و سیاسی چین در افغانستان مغایر منافع تجاری و ترانزیتی ایران است.

۳- ترکیه

- تا پیش از این آنکارا به افغانستان دسترسی نداشته است.
- از طریق هماهنگی با قطر و سنی‌های اخوانی نفوذ خود را گسترش می‌دهد.
- مانور مشترک ترکیه- آذربایجان و پاکستان نقطه آغاز حضور ترکیه در مرزهای شرقی ایران است.
- ادامه این وضعیت خارج کردن بازار افغانستان از دست ماست.
- ترکیه در هماهنگی با قطر تلاش دارد به طالبان نزدیک شود.

۴- عربستان

- در حال رشد در بازار افغانستان است.
- از افغانستان بیشتر برای کنترل ایران استفاده می‌کند.
- نوعثمانی‌گری ترکیه برای اعراب تهدید است، بنابراین با ترکیه در افغانستان هم همکاری و هم رقابت خواهد داشت.

۵- قطر

- قطر نقش مهم سیاسی، امنیتی و پولی در افغانستان دارد.
- حمایت رسانه‌ای از افغانستان و طالبان دارد.
- رقیب عربستان در افغانستان محسوب می‌شود.
- قطر همچنان نقطه اتصال سیاسی طالبان با غرب و آمریکا خواهد بود.

نتیجه‌گیری راهبردی

برای ایران، طالبان در کوتاه‌مدت فرصت و در بلندمدت تهدید است

- ۱- هنوز هیچ کشوری از رفتار آینده طالبان اطمینان ندارد.
- ۲- هیچ کشوری در آینده نزدیک آمادگی سرمایه‌گذاری زیرساختی در افغانستان ندارد.
- ۳- به دلیل نیازهای کوتاه‌مدت طالبان؛ ایران باید سریع‌تر منافع راهبردی و شبکه ارتباطی و امتیازهای بلندمدت کسب کند.
- ۴- طالبان می‌تواند به ایران و تجارت با ایران وابسته شود، موضوع اقتصاد-امنیت را با طالبان معاوضه کنیم (تاخت بزنیم).
- ۵- سرعت ورود و تثبیت حضور در افغانستان ضروری است، طالبان باید زودتر منافع همکاری اقتصادی با ایران را به صورت ملموس احساس کند.
- ۶- اقتصاد افغانستان کوچک و بحران آن متنوع است.
- ۷- امنیت و ثبات در افغانستان برای ایران حیاتی است.
- ۸- افغانستان بدون رابطه اقتصادی با ایران برای ما یک تهدید است.
- ۹- در شروع تهدیدها، استراتژی امنیتی در تقدم قرار می‌گیرد که باید با مناسبات تجاری و خدمات اجتماعی حمایت شود.

چشم‌انداز

تبدیل ایران به شریک اول اقتصادی افغانستان و رساندن سطح تبادلات اقتصادی به ۴ میلیارد دلار.

پنج هدف جمهوری اسلامی در افغانستان در سالیان گذشته

- ۱- خارج کردن نیروهای فرامنطقه‌ای از افغانستان (آمریکا و ...)
- ۲- پیشگیری از بازسازی و قدرت گرفتن داعش در افغانستان
- ۳- حفظ حقوق شیعیان و هزاره‌ها برای زیست مناسب
- ۴- حفظ امنیت مرزهای شرقی
- ۵- گسترش تبادلات اقتصادی و مقابله با تحریم

سه نقش راهبردی ایران در افغانستان

اتاق تهران بر این باور است:

یک: افغانستان مساوی طالبان نیست (نباید همه تخم‌مرغ‌ها را در سبد طالبان بگذاریم).

دو: در افغانستان مانند لبنان، یمن و عراق باید ابزار موازنه داشته باشیم.

سه: افغانستان باید به عنوان امتیاز در مذاکرات با کشورهای منطقه تلقی شود.

از این رو پیشنهاد می‌شود سیاست خارجی ایران سه نقش زیر را در افغانستان به صورت موازی پیش برده و شبکه ارتباطی و فشارهای

سیاسی و زیرساخت‌های ایران بر اساس این سه نقش طراحی شود:

۱- نقش موازنه‌گر Balancer

۲- نقش میانجی Mediator

۳- نقش‌آرام‌کننده Moderator

هشت‌الزام‌راهبردی‌مناسبات‌با‌افغانستان

- ۱- خروج‌موضوع‌تجارت‌و‌اقتصاد‌از‌شمول‌فعالیت‌های‌رسانه‌ای‌درباره‌افغانستان؛
- ۲- ایجاد‌اصلاح‌قوانین‌تابعیت‌(کوتاه‌مدت‌و‌بلندمدت)‌ایران‌به‌ویژه‌برای‌تسهیل‌تجار‌افغان؛
- ۳- جلوگیری‌از‌ایجاد‌حساسیت‌در‌منطقه‌با‌امتناع‌از‌دولتی‌شدن‌تجارت‌با‌افغانستان؛
- ۴- امتناع‌از‌ادغام‌توسعه‌تجارت‌با‌مواضع‌سیاسی‌وزارت‌خارج‌(جدا‌کردن‌مواضع‌سیاسی‌از‌اقتصاد)؛
- ۵- پذیرش‌محوریت‌بخش‌خصوصی‌و‌اتاق‌بازرگانی‌و‌هدایت‌و‌نظارت‌توسط‌وزارت‌خارج‌و‌دستگاه‌های‌مسئول؛
- ۶- مذاکره‌مستقیم‌و‌طرح‌مطالبات‌تجاری‌بخش‌خصوصی‌باید‌با‌حکومت‌افغانستان‌و‌طالبان‌آغاز‌شود؛
- ۷- گسترش‌رابطه‌بخش‌خصوصی‌ایران-بخش‌خصوصی‌افغانستان؛
- ۸- (میان‌نیروهای‌نهضتی‌و‌مسئول‌امنیت‌نیروی‌قدس)،‌وزارت‌خارج‌و‌بخش‌خصوصی،‌همکاری‌و‌تقسیم‌کار‌و‌پشتیبانی‌برقرار‌شود.

۱۳ سیاست‌و‌خط‌مشی‌سیاسی-امنیتی‌پیشنهادی

- ۱- برقراری‌دیپلماسی‌فعال‌با‌طالبان
- ۲- برقراری‌دیپلماسی‌فعال‌با‌پاکستان،‌روسیه‌و‌چین‌و‌با‌هند‌(حتی‌به‌عنوان‌ابزار‌فشار‌به‌پاکستان)
- نقطه‌مشترک‌با‌چین‌بر‌سر‌گذرگاه‌شمال-جنوب‌شرق‌به‌غرب‌پیگیری‌شود
- همکاری‌با‌هند-روسیه‌برای‌جلوگیری‌از‌گسترش‌نفوذ‌پاکستان
- ۳- گسترش‌روابط‌ایران‌با‌بازیگران‌دیگر‌در‌حوزه‌افغانستان‌مانند‌ژاپن،‌اتحادیه‌اروپا‌(فرانسه،‌آلمان‌و‌ایتالیا)‌و‌کشورهای‌فارسی‌زبان
- ۴- گسترش‌سریع‌رابطه‌بخش‌خصوصی‌ایران‌با‌افغانستان‌و‌پاکستان
- ۵- ایجاد‌منطقه‌حائل‌(Buffer Area)‌در‌افغانستان
- ۶- ایجاد‌حلقه‌های‌امنیتی‌برای‌جلوگیری‌از‌تهاجم‌گروه‌های‌ضد‌ایرانی‌و‌ضد‌شیعی
- ۷- ایجاد‌حلقه‌های‌جلوگیری‌از‌مهاجرت
- ۸- جلوگیری‌از‌بسته‌شدن‌مرز‌تا‌حدامکان
- ۹- پیگیری‌نقاط‌مشترک‌با‌آمریکا‌و‌اروپا‌بر‌سر‌موضوع‌جلوگیری‌از‌پیدایش‌تروریسم
- ۱۰- فعال‌کردن‌دانشگاه‌های‌دولتی‌و‌آزاد‌استان‌های‌سیستان‌و‌خراسان‌جنوبی‌برای‌پذیرش‌دانشجویان‌افغان‌به‌ویژه‌زنان
- ۱۱- راه‌اندازی‌آموزش‌های‌مجازی‌ویژه‌کودکان‌و‌نوجوانان‌افغان
- ۱۲- ایجاد‌یا‌تجهیز‌مراکز‌بیمارستانی‌نزدیک‌مرز‌افغانستان
- ۱۳- جذب‌نیروهای‌نظامی‌سابق‌افغانستان‌توسط‌سپاه‌قدس

اهداف کلان^۱ تجاری یک سال آینده:

- ۱- افزایش ۱۰۰ درصدی سهم صادرات به افغانستان
- ۲- ایجاد اعتماد، اطمینان و همراهی بین دولت، بخش خصوصی، نیروهای امنیتی در حوزه افغانستان

۹ سیاست پیشنهادی حوزه اقتصاد و تجارت

- ۳- اولویت‌دهی محصولات مصرفی و فروشگاه‌های
- ۴- با توجه در پیش بودن فصل سرما و فروش فرآورده‌های انرژی پایه
- ۵- ایجاد کانال‌های مطمئن انتقال پول بین تجار ایران و افغانی^۲ و^۳
- ۶- وابسته کردن افغانستان به تأمین انرژی و مواد غذایی از ایران
- ۷- تمرکز بر ایجاد بازارچه‌های مرزی (برای گسترش تبادلات تجاری و جلوگیری از هجوم مهاجران)
- ۸- سرعت بخشی به توسعه زیرساخت‌های تجارت از چابهار با جلب همکاری هند، ژاپن و اتحادیه اروپا^۴
- ۹- واردات کانی‌های فلزی و غیرفلزی از طریق تاجر افغان
- ۱۰- انتقال مواد معدنی افغانستان به‌ویژه لیتیوم و... به غرب
- ۱۱- ایجاد مراکز بهداشتی و درمانی در بخش‌هایی از افغانستان

سه اولویت تجاری ایران با افغانستان

- ۱- اولویت کوتاه‌مدت صادرات به افغانستان، صادرات کالا و فرآورده‌های مصرفی و فروشگاه‌های باشد از قبیل:
 - مواد غذایی
 - دارو و تجهیزات پزشکی
 - لوازم خانگی
 - لوازم ساختمانی
 - فرآورده‌های نفتی از قبیل بنزین، گازوئیل و نفت
 - پوشاک و کیف و کفش
- ۲- اولویت‌های کوتاه‌مدت واردات
 - محصولات کشاورزی
 - کانی‌های فلزی و غیرفلزی نظیر سنگ آهن، مس و...

1. Goals

۲. نقل قول بازرگان افغانی: من ریال احتیاج دارم نه دلار و یورو
۳. باید بسته تجارت جدید با افغانستان به‌ویژه در حوزه ارزی توسط بانک مرکزی طراحی و اجرا شود از جمله بازگشایی بازار هرات.
۴. مثلاً کنسرسیومی با مشارکت نروژ- ایتالیا برای حضور قوی در چابهار

۳- پروژه‌های اقتصادی دارای اولویت عبارتند از:

- توسعه زیرساخت‌های بندری چابهار
- تکمیل راه‌های جاده‌ای و ریلی چابهار به سرخس و آسیای مرکزی
- تشکیل دو منطقه آزاد در مرزهای جنوبی و شمالی افغانستان
- طراحی و اجرای پروژه نیروگاه‌های بادی خواف^۱
- تأسیس نیروگاه برق در نزدیکی مرز افغانستان یا قرارداد گاز با ترکمنستان

اقدامات راهبردی ویژه اتاق بازرگانی

- ۱- ساماندهی تجار افغان با تشکیل انجمن تجار افغان مقیم ایران و تمرکز بر صادرات کالاهای ما و جذب سرمایه افغانی‌ها
- ۲- اتاق‌های سیستان، خراسان جنوبی و رضوی با تقسیم کار مشخص فعال شوند:
 - اتاق خراسان رضوی تمرکز بر کار با هرات
 - اتاق سیستان و بلوچستان تمرکز بر تجارت و رابطه با طالبان
 - اتاق خراسان جنوبی تمرکز بر بازارچه‌های مرزی
- ۳- تقسیم کار و هماهنگی میان نیروی قدس و اتاق بازرگانی صورت گیرد.
- ۴- رابطه تشکل‌های گروه‌های هدف صادراتی با اتاق، وزارت خارجه، نیروی قدس و تجار افغان برقرار شود.
- ۵- اعزام هیئت تجاری هدفمند، راهبردی و دارای برنامه مشخص به کابل.

۱. در خواف دالان بادی بزرگی داریم که ظرفیت ۲۰۰ هزار مگاوات برق دارد. پیش از این آلمان‌ها ۲۰ هزار مگاوات آن را شروع کردند که بین ما و افغانستان است.